

# ستاره سرخ

ستاره سرخ - شماره ۲۳ - سال سوم

هم نیروهای ارتجاعی و هم ما، هر دو با مشکلاتی رو برو هستیم. مشکلات نیروهای ارتجاعی بر طرف نشدنی است زیرا آنها نیروهای هستند در شرف زوال و آینده‌ای در پیش ندارند. ولی مشکلات ما رفع شدنی است زیرا که ما نیروهای نو ظهوریم و آینده‌ای درخشان در پیش داریم. مائوتسهدون

د ماه ۱۳۵۱ - برابر دسامبر ۱۹۷۲

## نطق مهم رفیق انورخوجه

رفیق انورخوجه د بیروا کیمته مرکزی حزب کارآلبانی و رهبریکیرخلق آلبانی د تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۷۲، بسه مناسبت شصتمین سالگرد استقلال آلبانی و بیست و هشتمین سالگرد آزادی کشور د رنهر ولورا نطق بسیار مهمیتی ایراد کرد.

ما باید یاد آموزشهای رفیق انورخوجه رامورد مطالعه قرار دهم و نقطه نظرهای او را با شرایط خود تلفیق دانه. یاد رک خود را از ماهیت امپریالیستی ریزیونیستهای شوروی بالا ببریم و از امر وحدت و همبستگی احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی واقعی قاطعانه دفاع نمائیم.

رفیق انورخوجه با گرمی از مبارزات قهرمانانه و طولانی خلق آلبانی بخاطر کسب استقلال و آزادی ستایش نمود. او یاد آور شد، ۶۰ سال مبارزه سخت و شدید نشان میدهد که "آزادی، استقلال، حاکمیت و دولت خودی پر - ارزشترین خواست برای خلقی است که باید سلاح بکف یابیم و سینه د یگری آنها را کسب نموده و سپس با هشیاری دائمی و کاملاً مسلح و بیهرقیمی، بدفاع از آن بپردازیم".

رفیق انورخوجه تاکید کرد که مهمترین درسی که خلق آلبانی از تاریخ مبارزاتش میگیرند اینست که "از روز ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ تا ۲۹ نوامبر ۱۹۷۲، ۲۸ سال میگذرد. در دوره تاریخی مهم، خلق ماتحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی خود، با قدرت اسلحه اشغالگران خارجی را از مرزهای میهن بیرون راند، خائنین و بیگانه پرستان را و از گون نمود، قدرت کین فئودالها و سرمایه داران را نابود ساخته و قدرت نوین خود را پایه گذاشت. خلق آلبانی تحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی خود، دشمنان طبقاتی را از میان برداشت، اتحاد کارگران و دهقانان را استحکام بخشید و در حال حاضر ساختمان جامعه‌های سوسیالیستی مشغول است. امروز خلق آلبانی، همچون کارمیکند و خوشحال است که در عصر حزب زندگی میکند. "حزب بخلق میآموزد که در برابر هرگونه خطر خارجی خطر تجاوز و مسلحانه، یا خطر از دست دادن آزادی و استقلال از طریق بر دگی اقتصادی که توسط امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم امریکا و سوسیالیسم - امپریالیستها بیه سرکردگی ریزیونیستهای شوروی اعمال میشود، باید هشیار باشد. به خاطر مقابله با این دو خطر خلق آلبانی و حزب آن باید مسلح بوده و هیچگونه امتیازی ندهد."

او گفت: "ما طرفد از همزیستی مسالمت آمیز بر اساس اصول معروف لنین کبیر هستیم. ما هرگز هیچ کس د هیچ لحظه‌ای اجازه نمیدهم به حقوق حقه ما تجاوز کند." او ضمن تاکید روی این نکته که خلق آلبانی از امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم هیچگونه هراسی ندارند بلکه این آنها هستند که از خلقهای سراسر جهان ترس دارند، یاد - آور شد "ما باید خلق خود را علیه تبلیغات و عوامفریبیهای سرمایه‌دار - ریزیونیستی که اندامیکند مادر دنیا مقرر هستیم، علم مترقی نداریم و از "کلهای سخاوتمندانه" برخوردار نیستیم، مسلح کنیم، در حقیقت ماهیت "ککسی" که آنها از طریق اعتبار دادن به آن تظاهر میکنند چیست؟ معنی آن اینست که ماکسورمان را به آنها بفروشیم، بسه امپریالیستها و ریزیونیستها اجازه دهم تا سرمایه‌های خود را برای مکیدن خون خلق ما د آلبانی بکارند از دنا مابه اقرار انحصارات و متروپلهای بزرگ تبدیل گردیم، تا بقیه در صفحه دوم

از جنگ دوخیمان فرار کردم و از قتلگاه اوین بیرون آمدم تا با تدارک بیشتر و بهتری بکمد هم و با اتکا به خلق ریشه انسان را براندازیم. در این یازده ماه که در زندان بودم، آشنائی های بسیار ما، با رفتن رفقا پای جوبه تیرباران خاتمه پیدا میکرد، اما پیوند ما با مرگ آنها، باز هم عمیق تر میشد. نمی دانید چه مبارزاتی بودند و چه مبارزاتی هستند و چطور با دشمن مبارزه میکردیم! شکجه‌ها، وعده و وعیدها، هیچکدام و در مورد هیچیک از رفقا نه تیرا موثر واقع نمیشد، بلکه عزم و اراده‌ی انقلابی ما را مستحکمتر میکرد. رفقای نهضت مجاهدین خلق، رفقای چریک های فدائی خلق و ما و سایر گروه‌ها، و قتیکه بهم میرسیدیم اولین حرف این بود که چرا زودتر یکدیگر را ندیدیم. انقلابی زیاد و جاکم بود."

سیروس نهاوندی

## پیگیری در مبارزه و کسب پیروزی

علت توجیه مینمایند! اما گوله های شکر آورد هم نمی توانند مبارزینی را که طبقات استثمارگر و استثمارکننده را که طغیان میورزند، از پای در آورد و به ارتداد و تسلیم کشاند. فرار موفقیت آمیز سیروس نهاوندی از زندان گفته های او که ما در بالا آوردیم، دارای جنبه های مهم آموزشی هستند. چه درسهایی میتوانیم بگیریم؟ اولین درس اینست که مبارزین و انقلابیون میهن ما در عمل این آموزش رفیق مائوتسهدون را پیاده کرده اند: "مبارزات انقلابی بعضی مواقع مشکلا عمده و شرائط مساعد جهت غیر عمده تضاد را تشکیل میدهند، ولی انقلاب بین میتواند با مساعی و همت خود بر مشکلات بتدریج چیره گردند و وضع مساعد نوینی بوجود آورند."

آنها با ایمانی راسخ و با اعتقاد کامل به حقانیت امر خود با بد طولانی مقاومت میکنند. تا بالاخره شرائط مساعد را به مساعد تبدیل نمایند. گریز از دست دوخیمان توسط رضاشاهی و سیروس نهاوندی، تنها در نتیجه این برخورد و مبارزه سرسختانه تا باخر بدست آمده است. اراده و رزمنه و ایمان راسخ نقش بسیار مهمی در تغییر اوضاع بسود انقلاب بعهده دارد. تنها با روحیه ای عالی و انقلابی و سبک کار نهرا سیدن از سختیها و مرگداست که میتوان به سینه مشی های صحیح رسید و آنها را اعلی ساخت. این سمت گیری صحیح انقلابیون در زیر شکجه‌ها و در زندانها که شرائطرا برای رسیدن به سیاستها و مشی های صحیح فراهم هم میاورند و بین خلق و ضد خلق مرز دقیقی می کشد. در همین درسی که میاموزیم اینست که داغ و درفش دستگاه عزیز و طولیل شاه نمیتواند اراده رزمنه د انقلاب بین را درهم شکند. دستگاههای شکجهگر ایران از تمام وسائل ممکن برای برانودن مبارزین در بند استفاده میکنند. شلاق یا اجاق برقی، شوک الکتریکی و دهها وسیله دیگ بکار میبرند، اما همه آنها بی اثر میگردند، شکجه گران دسته دسته میایند، ناکام و خسته و امید همد. در حقیقت این مبارزان هستند که عاملین سبیه رژیم را برانودند میاورند. آنها با اندیشیدن به منافع خلق و با گذشتن از منافع خصوصی خود، حماسه های تاریخی رزمنه های میسازند که نسل اندر نسل آویزه گوش انقلابیون خواهد بود.

شکجه‌ها، کافی است اشاره شود که جراحات ناشی از آنها بقدری بوده که نهاوندی را سه بار بترتیب پس از هر دوره شکجه مجبور شدند به بیمارستان منتقل سازند. نهاوندی پس از فرار موفقیت آمیزش می گوید: "آشنائی های بسیاری با رفتن رفقا پای جوبه تیرباران خاتمه پیدا میکند. این بازنایی است از این واقعیت که در مدتی کوتاه از یک گروه ۶۰ نفری مبارزین در بند بیش از ۳۰ نفر را بقتل رساندند و برای اینکه جسدی بودن تهدیدات خود را نشان دهند این جنایات را به رخ مبارزین دیگر میکشیدند. اما مزاجمین بسبب جهانبینی خود نمیتوانند درک کنند که قربانی و ستم اراده‌ی خلق را استوارتر میسازد. هر بار که از این گروه مبارزی را به پای جوبه دار می فرستادند، نفرت و خشم دیگر مبارزان را برمی انگیزتند و اراده‌ی آنها را بسه مبارزه تا به آخر، تقویت میبخشیدند."

علاوه بر "تازیان" رژیم برای به تسلیم کشاندن مبارزین از شیوه تان قندی "هم استفاده میکند. در فاصله هر دوره شکجه ای، هنگامیکه انقلابیون در این سبک مرگ و زندگی پیروز میگردند و شکجه گران را به زانو در میاورند، ما مورین تازه ای را میفرستادند و وظیفه‌ی اساسی آنها بوده و وعید دادن و تطمیع کردن بسود اینکار را با زمینه سازی هائی تکمیل میکنند. در سالها اخیر "مخصصینی" را درست کرده اند که باصطلاح نقش "ارشاد" را بعهده دارند. آنها مطابق با سبیه روشنهایی اید و قولی و وعید و مرامی مبارزین برکارنده میشوند برای مثال اگر مبارزی دارای اعتقادات مذهبی است "مخصص" مذهب قبل از طرح وعده و وعیدها از پیشرفت های عظیمی که اسلام تحت "توجهات" شاه کرده خوف میزند و اگر مبارزی اعتقاد به کمونیسم دارد و پشتیبان انقلاب کارگران و دهقانان است، "مخصص" انقلاب شاه و مردم "می آید و آمار" سهم کردن "کارگران در سود و در مالکیت کارخانه، "اصلاحات ارضی" ایکه در طی آن باصطلاح به رهائی رسیده اند، را بلخورد میکند. این "مخصصین" در واقع شکجه گران یا عنوان دکترا هستند که اغلب هم رزمنه خود را یکی از آشنایان خانواده معرفی میکنند و "لسوزی" خود را بدین

رفیق سیروس نهاوندی که همراه ۴۴ نفر دیگر از مبارزین سازمان رهاایش خلق "در تاریخ یازدهم آدرماه ۱۳۵۰ دستگیر شد، (رجوع کنید به "ستاره سرخ" ۱۹) توانست با هشیاری انقلابی، با استفاده از نقطه ضعف دشمن و در فرصت مناسب از شکجه گاه اوین با موفقیت بگریزد و مبارزه‌ی خود را در خارج زندان ادامه دهد.

پس از این واقعه، دستگاههای "امنیتی" هراساً بسه تشبثات بیهودهای دست زده اند، فشار را بزندانیان افزون ساخته و تمام افراد خانواده‌ی نهاوندی را به گروگان گرفته اند. فرار موفقیت آمیز سیروس نهاوندی دستگاه های "امنیتی" شاه، که خود را بر قدرت و خلل ناپذیر مینداند، بیکیاره دچار ضعف و تنزلزل کرده، تضاد های درونی آنها را حدت بخشیده، تا جائیکه آشکارا ماموران شهرپانی و ساواک به جان یکدیگر افتاده علیه هم شایعه پراکی کرده و هر یک دیگری را مقصر گریز نهاوندی میدانند. در میان افراد پائین سازمان امنیت هم تشویش و نگرانی ایجاد کرده است.

اما در مقابل، در بیرون و درون زندانها، در صفوف مبارزین و در میان خلق شادی و خوشحالی حکم فرماست. خبر فرار موفقیت آمیز سیروس نهاوندی را به هر فرد میهن پرستی که میدهی، بی اختیار شادمانی خود را ابراز میدارد.

بقرار اطلاع رفیق سیروس نهاوندی، همراه رفقای دیگرش در برابر وحشیانه ترین رفتار دوخیمان شاه مقاومت و مبارزه‌ای سرسختانه از خود نشان داده اند. نمایندگان طبقات استثمارگر و ستمگر، عاملین شکجه گر آنها، یازده ماه تمام به شیوه های گوناگون، مذبحخانه تلاش کردند تا چند نفر از رهبران زندانی "سازمان رهاایش خلق" را به "اظهار پشیمانی" در پشت رادیو و تلویزیون وادارند.

بسارها آنها را زیر سختترین فشارهای ممکن جسمی و روانی قرار دادند، اما نیروی ایمان آنها به خلق و آموزشهای وی، به اصول و عقایدشان بیش از آن بسود که دشمنان تصور داشتند. آنها بطور استوار ایستادند و شرافت انقلابی خود را حفظ نمودند. برای درک شدت

## آینده تابناک است راه پر پیچ و خم از سختیها و مرگ نهراسیم

بقیه نطق مهم ...  
 ماشیه زنده گی فاسد آنها را بید پریم ، تا جامعه‌ی صرفی یا تمام پلید بیابین بوجود آید ، تا طبقات استعمارگر کهن همراه تمام پلید بیبای سرمایه داری - رویزیونیستی کونی بارد یگر احیا شوند و در کشورمان تقویت گردند . خلق آلبانی اینها را نمید یزد زیرا او به خطرهای ناشی از آنها آگاه است زیرا حزب خود ش هشیارند و بد ام اشتباه نیافتند .

" رویزیونیستهای شوروی با سروصدا و اوزیاد ادغامیکند که گفته‌ی جینی ها و آلبانی ها در مورد اینکه میشود سوشیالیسم را با اتکا به نیروی خود ساخت " از لحاظ تئوریک اشتباه است ، در این مورد حزب کمونیست پرافتخار چین و حزب کار آلبانی بهیچوجه نه در تئوری و نه در عمل اشتباه نمیکوند . نیروی د رونی ، نیروی خود هر کشور در ساختمان سوسیالیسم در یک کشور سوسیالیستی عمده و تعیین کننده است ، کمکی که یک کشور سوسیالیستی به کشور سوسیالیستی د یگری میکند باید براد رانه ، انترناسیونالیستی ، غیرسود جویانه و بدون هیچ گونه شرط سیاسی باشد ، چنین است کمکی که آلبانی سوسیالیستی از جمهوری توده های چین دریافت میکند .

رفیق انور خوجه در توضیح اینکه چرا کمکهای چین به آلبانی د ار ای چنین ماهیتی است یاد آور شد : " زیرا د و کشور ما ، کشورهای واقعا سوسیالیستی هستند ، زیرا د و حزب واقعا مارکسیستی - لنینیستی د و کشور ما را بجلو رهبری میکنند ، زیرا د و خلق ما د و حزب ما و د و کشور ما بد وستی همیشگی مارکسیستی - لنینیستی پای بندند ، زیرا راه ، هدف و دشمنان ما مشترکند ، دشمنانیکه ما باید در همکاری با هم و با د یگر خلقها و بولتاریای جهان شکست داده و نابود سازیم خلق آلبانی و چین د وش و د وش هم و د و روح د وش د وش کامل به پیش میروند ، چین کمبیا توسته د ون بکشورهای سوسیالیستی و خلقهای د یگر بهمین نحو کمک میکند ، چین کمبیا توسته - د ون یک کشور سوسیالیستی برقد رتی است ، نه یک ابر قدرت امپریالیستی است و نه یک ابر قدرت سوسیال - امپریالیستی " رویزیونیستهای جدید که د و رزاس آنها شوروی قرار ارد میکوشند عوامفریبانه به خلقهای خود و جهان چنین وا نمود کنند که کشورشان و سیستمشان سوسیالیستی است ، این یک د و روغ محض است ، رویزیونیستهای جدید کامالا سیستم سوسیالیستی را د و کشور خود نابود ساخته و آنرا بیک سیستم سرمایه داری تبدیل نموده اند ، در همین حال اتحاد شوروی هم اکنون بیک کشور سوسیال - امپریالیستی تبدیل گردیده است ، نمیتوان تصور کرد که بین این کشورهای که خود را باصطلاح سوسیالیستی میخوانند و همچنین بین آنها و ما یک همکاری انترناسیونالیستی واقعی و براد رانه ، یک برخورد غیرسود جویانه و بد وین هیچگونه شرایط سیاسی انطور که رویزیونیستهای شوروی ادعا میکنند ، وجود دارد . کمک باصطلاح سوسیالیستی آنها از همان نوع کمک امپریالیسم آمریکاست ، ادعای همکاری سوسیالیستی مقابل رویزیونیستهای شوروی از همان نوع همکاری صادقانه است ، ایست که امپریالیسم آمریکا برخ میکند ، د و ابر قدرت ، ایالات متحد ، آمریکا و اتحاد شوروی ، که با شتاب د رت اذک جنگند ، میکوشند تا از طریق باصطلاح کمک سخاوتمندانه شمارا برده کنند ، از نظر اقتصادی و سیاسی بخود وابسته گردانند و کشور شما را به منطقه نفوذ شان د ر آوردند و مستعمره گردانند .

" رویزیونیستهای شوروی از پیشرفتهای چین و آلبانی شد بد اعصابی اند ، چین تمام اعتباراتی را که آنها بر د اخته بودند ، مسترد داشته است ، سالهاست که ما بد وستان کاذبی که بد دشمنان سرسخت ما تبدیل شده اند ، باصطلاح اعتبارا تیکه برای خرید ماشینهای رنگ و روشن زده می کهنه بمانده بودند ، میباید ازیم .

ما آلبانیها خوبی مید انیم که در ریس باصطلاح کمکهای انترناسیونالیستی رویزیونیستهای شوروی چه نهفته است ، خلقها و کشورها بد یگره خصلت امپریالیستی کمکهای آنها د ارند بی میبندند ، این رویزیونیستهای شوروی بودند که شد بد ارشد اقتصاد ، صنعت و معادن ما را مختل نمودند ، آنها د ار ای اهد افی با بگرد طولانی بودند که عبارت بود از برد کردن کشور سوسیالیستی ما و تبدیل آن بیک فرخود ، این خلق قهرمان ولورا ، خروشچف را هم بد ید ، هنگامی که این مرتد به مارکسیسم - لنینیسم د و مقابل د ریاجعی با شکوه ولورا قرار گرفت ، ما ت و مبهوت شد و من برای یک لحظه شنیدم که همکار او مالدینوفسکی به او گفت ؛ " مید انی نیکیتا سرگویچ باوشکهای بیان از برلین و آلمان شرقی ما قار ریم جیل - الطارقی را هدف قرار د هیم د و حالیکه از خلیج ولورا تمام مد یترانه را د و رتک د و ستان د اریم " ، آنها هیچ چیز بد ست نیاوردند زیرا حزب ما و د ولت ما همه ی نقشه های آنها را نقش بر آب کرد ، ولورا هرگز د و رت هیچ خارجیسی نخواهد بود ، همان مالدینوفسکی د و ر بوترنیت به خروشچف

بقیه بیروزبناک ...  
 نشاندند مارکوس قرار داشته و دست به جنایات متعدد د ی برای اجرای توطئه های کهنه خود علیه حزب کمونیست فیلیپین و ارتش توده های نوین زد هاست . حزب کمونیست فیلیپین امروز مبارزه مسلحانه انقلابی و جبهه واحد ملی راهبردی میکند ، حزب از هنگام پایه گذاری مجدد ، قهرمانانه و بطور صحیح ، بچرخ کیسر سرخ مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه د و ن را بر افراشته نگه داشته و رهبری بیرونتاریایی فیلیپین را د و انقلاب تاءمین کرده است . امپریالیسم آمریکا ، فتود الیسم و سر - ماید اری بوروکرات د یگر قادر نیستند برگرد ه خلق فیلیپین سوار شوند ، اکنون آنها توسط جنبش انقلابی شکست ناپذیر و وسیع کارگران ، دهقانان ، دانشجویان و روشنفکران د و دیگر میهن پرستان ، منفرد شده و تحت ضربه قرار گرفته اند .

حزب کمونیست ( مارکسیست - لنینیست ) با سیاست های صحیح خود توانسته است جبهه متحد عظیمی از توده های وسیع ضد امپریالیست و ضد ارتجاع که اساس آنرا وحدت کارگران و دهقانان تشکیل می دهد ، بوجود آورد . روشنفکران ، خردمه بورژوازی شهری و اقمشار مختلف د یگر مردم بیش از پیش به انقلاب روی می آورند ، تظاهرات بزرگ ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری و مبارزات خستگی ناپذیر توده ها ، هر روز فشار را بر رژیم دست نشاند و د و رشکسته ی مارکوس سنگینتر می نماید . و خامت اوضاع اقتصادی فیلیپین و وابستگی هر چه شد بد تر آن به امپریالیسم ؛ رژیم خائن مارکوس را هر چه بیشتر به سوی نابودی می راند . د و دوران حکومت مارکوس ( از سال ۱۹۶۵ تا بحال ) قرض فیلیپین به ۳ میلیارد دلار رسیده است ، ارزین پول کشور ۲۰۰ درصد پائین آمده و قیمت مواد اولیه ۱۵۰ درصد ترقی کرده است ، حکومت نظامی کونی در آن کشور نیز تلاشی است تا بد و حاکم برای حفظ منافع امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم جهت سرکوب و جلوگیری از رشد مبارزات توده ای ، اکنون تمام منابع نفت فیلیپین تحت کنترل کمپانیهای آمریکائی است و بعد از اعلام حکومت نظامی رژیم خائن مارکوس اجازه استخراج این منابع را بطور انحصاری و علیرغم مخالفت شد بد مردم به این کمپانیها داده است ، تضاد های د رونی بین طبقات حاکم فیلیپین ، تضاد بین امپریالیسم آمریکا و ژاپن در این کشور رشد روز افزون تضاد خلق فیلیپین با دشمنانش و مخصوصا با امپریالیسم آمریکا که با شکست مفتضحانه ای د و ر هند و چین روبرو شده است و بالاخره تحت رهبری شی صحیح حزب کمونیست فیلیپین ( م - ل ) شرایط را برای رشد هر چه بیشتر انقلاب د و مکرراتیک خلق و برانداختن سلطه ی امپریالیسم ، فتود الیسم و سرمایه داری بوروکرات د ر این کشور فراهم ساخته است ، خلقهای فیلیپین به طولانی و بریبیج و خم بودن راه انقلاب آگاهانه و قدرت لایزال آنها بنیان سیستم ارتجاعی و جنایتکار عقلی را بر خواهد کند .

۱- آرمان و گرو - فیلیپین : اجتماع و انقلاب

گفت : " این یک د ریاجه ی زیبایی است ، اگر د و ساحل این د ریاشیاری ، بوجود آورد شود ، د ر این کناره یک جایگاه زیسر د ریائی مهمی میشود ساخت و آنوقت یونان هم مال ما خواهد بود . " من از شنیدن این سخن لرزه برانده ام افتاد و بخاطر آوردم شبهای تاریک تیرانا را هنگامیکه با واسیل شانتو ما اعلامیه های " مرگ برفاشیسم ایتالیا ، زنده باد خلق برادر یونان که بخاطر آزادی می جنگد . . . " را بد یوار میجانندیم . سده ، حزب ما و حکومت ما هرگز اجازه نخواهد داد که از کشور زیتونها به خلق برادر یونانی ما خسارت وارد آید " رفیق انور خوجه سپس اضافه کرد : " این کمونیستهای کاذب این د و تنها و د و التهای بازم بیشتر را علیه خلقی کوچک و کشور کوچک مرتکب شده اند ، آنها به امید اینکه آلبانی را بزبان آوردند محاصره ی جمهوری توده ای آلبانی را سازمان دادند اما نتیجه معکوس گرفتند ، آلبانی سوسیالیستی تحت رهبری حزب قهرمانش با سرعت به پیش رفت ، بطور موفقیت آمیز بکار ساختمان سوسیالیسم میبدر از د و شعره ی موفقیتهای بی دری خود د و تمام زمینه ها د و صنعت ، د و کشاورزی ، د و آموزش و فرهنگ ، د و تقویت دفاع میهنی را می چیند .

رفیق انور خوجه د ریایان سخنرانی خود از خلق آلبانی دعوت کرد تا تحت رهبری حزب قهرمان کار آلبانی بازم فشرده تر متحد گردید و د و موفقیتهای بازم بیشتر به پیشواز ششمین کنگره ی حزب روند .

واقعیت روستای ایران

" در نظر اربم مجموعه ای از مقالات " واقعیت روستای ایران " را که تا بحال در " ستاره سرخ " درج کرده ایم بصورت جزوه ای جد آگانه ، احتمالا با پیشگفتاری انتشار د هیم پیشنهادهای هست د اثر براینکه بهتر است آنرا با عکسها و نقاشی هایی از وضع روستائیان که با محتوی مقالات تطابق دارد ، همراه سازیم . ما با این پیشنهادهای موافقت د اربم وار د و ستان نقاشان و صاحبان عکس از روستاهای ایران د ر - خواست کمک مینمائیم . امید واریم با همکاری آنها و خوا - نندگان د یگر بتوانیم این وظیفه را خوب انجام د هیم . اسبابهای ما در زمین نگه داشته بودم که یکی آمد و جلوبوم را گرفت و گفت : شما د هیار جدید هستین ؟ " شاه د و رنگا ماموریت برای وطن می نویسد : مامورینی بد ه اعزام می د ارم که امور لازم را د ر امر کمک به دهقانان اجرا کنند " . این مامورین با حقوق ماهیانه ۳۵۰ تومان به د ه می روند ، عده های از آنها ساردهاتی را کلاه میگذازند به ناموس آنها خیانت میکنند ، د و حسن کینه دهقانان را نسبت به هریکانه بر می انگیزند ، سراغ خانه ک خدا را گرفتند ، پسرکی یا برهنه با یک پیراهن کشیف و یاره بدون شلوار جلوبوم راه افتاد . د و کوچسه زنهایی را دیدم که تاپاله گاوها را جمع می کردند ، د و ختری تقریبا ۱۲-۱۳ ساله دیدم که جویب قطور روی د وشش و بهر سر آن سه سطل بزرگ آب آویزان بود . عرق از سر و رویش می ریخت و پنداشتی که د ارد آخرین نفس ها را می کشد . مرا که دید ایستاد ، هن و هن می کرد ، روسری پاره و چرکن را پائین کشید تا موهایش را ببیند گفت " سلام " د و اولین لحظه رو د م به عیان ظلم و ستم را د و د ید ، د همن از شهر می آمدم و از آن گشته از آن نقطه از شهر که از لحاظ مسافت زمانی ، چند ساعتی بیش از این د و د ورتیب د ازم محاط معیشت حدود ۱۰۰۰ سال از این د ه جلوتر بود . د ر این موقع سر و کله مردک میانه سالی پیدا شد که به سمت من می د وید . وقتی به نزدیک ما رسید با خنده سلام کرد و گفت : آقا ما چند روزی است که انتظار شمارا می کشیم ارباب د ستور د اند که از شما خوب بد یزائی بشود تا خود شان تشریف بیاروند ، " وقتی چند آنها را د و دست من دید ناگهان غضبناک شد ، کشید ه محکمی بگوش پسرک بی نوا نواخت بعد رو به من کرد و گفت : آقا خیلی پستی ببخفید ، اینها خرن ، سرشون نمی شود . "

بخیوی می شد حسن کرد که سعی د ارد خودش را جزه ز قاضیل ارباب بد اند ، چه استشار شد بد یی دهاتی ها از زمان تولد تا مرگ میشدند . میان جای خوردن بودیم که از وضع مدرسه پرسیدم . سرش را تکان داد و گفت : ای آقا اینها لیاقت د رس خواندن ند ازند ، برایشان مدرسه ساختیم ، کتاب خریدیم ولی اینها همان تاپاله جمع کن هستند . " برای اینکه از روز اول زیاد بهتر روند هم د و د ر ضمن بقیه نام که اگر مدرسه نباشد پس خود منس چکار کم ، گفتم فضاوت باشد بعدد بنده ، بعد هسا معلوم می شود که لیاقت د ارند یا نه ، همان شب یکی را فرستادم که بد یرو مادر بچه ها خبر بد هد که معلوم شد آمده و آنها موظفند بچه هایشان را به مدرسه بفرستند . البته منظور از مدرسه اطاق خرابه ای بود که چند تا نیمکت شکسته داشت ، صبح خیلی زود از خواب بلند شدم و از شدت التهاب نتوانستم چیزی بخورم . از جلوی آسیاب که رد می شدیم تعجب کردم وقتی صبح باین زودی تعد اد زیادی مردان را دیدم که نشسته بودند و گپ می زدند . بعضی از آنها پاره تن بودند ، یک چیستی داشتند که دست بدستی می گفتند . از مردک ستوال کرد که اینها کی هستند ؟ گفت پارسال د و نبع محصول خوب نبود ، اینها بیگار شدند ، به شهر رفتند برای کار ولی تو شهر که کار خیرات نمی کنند ، حالا برگشتند اینجا و هیچ جا نمی توانند کار پیدا کنند . وقتی به آلونکی که منس استسرا مدرسه می گد ارم رسیدیم ساعت ۵/۷ بود . اطاق خالی بود و تا ساعت ۱۰ هم که ما منتظر شدیم همانطور خالی ماند . مردک گفت " آقا شما خیلی خوش خیالید " با خودم فکر کردم ، اگر بچه ها آمده بودند من چکار می کردم . منکه اصلا د رس معلمی نخوانده ام . چهار ماه د ر یادگان سر بازی چه ریظی د ار د به معلمی آنها د ر د هی کترکی آذری حرف میزنند ، کاش قیلا با یک نفر مشورت کرده بودم . شب که شد آ د رس بعضی از کسانی که بچه - شایشان د رسن مدرسه رفتن بودند گرفتیم و از نزدیک - شیشان شروع کردم . برابم د راستگان نو و کم باریک جای ریختند . نگاهشان بروی صورتم بازگویی این مطلب بود که ما بچه هایمان را زیر دست بیگانه ول نمی کنیم . استسمن مشهدی حسن بود ، گفت مشهدی حسن آدم هسا

تفاوتند و از آن گشته بچه های تو میتوانند د و صورت با سواد ی کار را بهتر از پیش ببرند . گفت : آدمها فقط ظاهرشون فرق می کنه و از اون گشته کار ما کار فلان و آ نیست ، کار بعیل و کلنگه " . گفتم آنچه که مسلم است تا حدودی تو حق د اری ولی من آمده ام که بد انم چرا بچه تو به مدرسه نمی آید ؟ گفت : نگفتم آقا شما از شهر می آید ، لابد وضع زندگی اتان هم خوب است ، آمده آید اینجا یک دوره بگ رانید ، خانه ک خدا هم زندگی می کید ، می خواهید بچه مرا که به نان شب محتاجم با سواد کید ولی باید به شما بگویم که سواد شما بد د و خودتان می خورد نه ما ، غلام را بفرستم مدرسه که بیاید مزخرفات شمارا یاد بگیرد ، آب ، بابا ، نان . این بچه با همه کم سن و سالی روزی ۱-۲ تومان به من و مادرش کمک می کد . ما را راحت بگ اید . " علت خیلی ساده معلوم شده بود . مشهدی حسن آدم بد اخلاقی بود . شاید هم اینطور نبود . معیار من ، آدمی که از شهر می آمده باین نوع برخورد می گفت بد اخلاقی . خدا پدرتون را بیامرزه مگه یک بچه هفت ساله چقدر زور د اره ، از صبح کسه سحر تا بوق سگ مثل یک حیوان کار کرده حالام رفته آب بیاره . این قانون دهاته و گزنه سور و ساتمون کوره و از گشنگی تلف می شیم . "

مش رضاء آسیابون بود و از راد بوی ترانزیستوری توشیسا کار اطافش فهدیم که د وضعیت یک رجه از دیگران بهتر ه ، گفت : پسرم تو تو خونه ک خدا زندگی می کنی از حال ما خبر ند اری . درد ای ماهم به تو نشی نمی زنه ، آمده ی چند روزی توده باشی ، جاتم که گدوم زهره ، بچه های ما اگور ، روز یک تو من کار کنند این ککبه به زندگی مون ولسی د رس و مشق چیکار واسه مون می کنه . بعد از یک هفته موفق شدم ۱۸ شاگرد به مدرسه بیاورم د و حالیکه حد متوسط آن باید به ۵۰ نفر می رسید . دهکده یک حمام داشت که تا ساعت ۷ صبح مردانه بود و از ۷ صبح تا ۶ بعد از ظهر زنانه ، یک خزینه کوچک که وقتی تسوی آن می رفتی صد د رجه کیف تر بیرون می آمدی . از قرار معلوم هر د و ماه یکبار آبش را عوض می کردند . ولی هر جا می رفتی یک پلاک می بدی ؛ مبارزه با مالاریا ، گویا که د ر این دهات فقط مالاریا می توانست مردم را به هلاکت برساند نه وضع زندگی مادی آنها ، با هزاران مرض روزانه . از ۱۸ نفر سر ۶ تای آنها زخم بود که بعد ها آنها را با خودم به شهر بردم . آب خوردن را از یک چشمه می آوردند که تقریبا سه کیلومتر از د ه دور بود . البته این کار را د دختران جوان می کردند . کمتر دهاتی می دیدی که گوسفند و یا گاو داشته باشد . تمام احشام متعلق به ک خدا و ارباب بود که با هم قیوم و خویش بودند . بد د رت خانواده های بودند که چند تائی مرغ و خروس و بوقلمون داشتند که بعد ها وقتی از خانه ک خدا بیرون آمدیم به من هدیه کردند . تنها وسیله رفت و آمد آنها به شهر یک وانت قراضه بود که هر سه هفته یکبار می آمد ( البته از ماشین آخرین سیستم ارباب و جیب هایش که اختصاصی بود بگ ریم ) و آنها را مانند گوسفند روییم می ریخت و به شهر می برد . ناگفته نماند که ارباب و بستگانش از یک پل مخصوص و یک جاده ویژه استفاده می کردند که مستقیما به جاده اصلی و آسفالت می خورد و راهی تا شهر نبود روی آنها یک تابلوی غدن زده بودند که ما تصمیم گرفتیم از این جاده عبور کنیم ولی بعد از چند روز از طرف یادگان نامه ای رسید که موظفان می کرد از راه همیشگی برویم . حالا بعد از چند ماه تعداد شاگردان به ۳۱ نفر رسید ، بود و من تقریبا با فامیل های آنها رفت و آمد داشتم و همین موضوع این جرات را به آنها داده بود که بی پرده با من از بد بختی های خودشان بگویند . از نکات قابل توجه و مهم د ر این د ه اختلافات آنها بوده بین خودشان و از همه مهتر برخورد ها و اختلافا آنها با دهات همسایه که بارها منجر به خونریزی شده بود و باعث می شد که آنها را از حقیقتهای زندگی - شان دور کرده و به کار روزانه و د و عوای اطراف سرگرم نماید . بد بیهی بود کسه این منازعه و جدال از طرف ارباب و ک خدا ایجاد شده بود و بد بیهی تر د امن زدن به شغله ی آن بود . زنها معمولا یا بچه ای به - پشت تمام روز را د و ر خارج جهت خارج کردن می - گذراندند که برای سوخوسوزنکار میرفتن چون تاپاله کف فهدیم د و د ر پایان کاخ ارباب د و وسط د ه مثل لکه سیاهی بود که خون دهکده را می مکید و د ر این گیر و دار فریبسی کاخ و ساکنان آن تضاد اصلی را یعنی تضاد دهقانان و فتود ال را بزرگتر ، حاد تر و زنده تر می کرد .

پیش در سمت پیوند با جنبشهای توده های



# مشاهداتی در یک مؤسسه

"نوشته زیر را برایمان فرستاد هاند. از نظر اهمیتی که تحقیق و بررسی برای جنبش انقلابی کشور ما دارد آنرا عیناً چاپ می کنیم."

بررسی زیر در یک مؤسسه نسبتاً بزرگ بعمل آمده است که نسبت به موسسات مشابه پیشرفته تر و وضع مستخدمان آنجا مرفه تر است. این یک مؤسسه تولیدی نیست بلکه جزء خدمات بحساب می آید و "کارگرانی" که در زیر مورد مطالعه قرار گرفته اند در واقع مستخدمان جزئی هستند که کارهای مختلف غیرفنی را بعد از آنکه در این کارگاه در شرایط استخدام آنها حداقل سواد ششم ابتدائی قید شده ولی در بین آنها، کارگرانی با گواهینامه سیگنال اول دبیرستان و یا کاملاً بی سواد دیده می شود، چه در استخدام پارتنری بازی و روشه و غیره نیز نقش دارند. پس از استخدام نیز چایلو موسی و تعلق از رئیس نقش اساسی در باقیماندن بر سر کار داشته و در امتیازات مختلف اول عمده را بازی میکند. حقوق ماهانه بطور ثابت ۴۰۰ تومان است که در ازای روزانه ۱۲ ساعت کار بدون تعطیل هفتگی است. دو هفته مرخصی سالانه خود را معمولاً کارگران کار می کنند تا به ازای آن پولی دریافت دارند. از حقوق آنها کمتر از ۲۰٪ به عنوان مختلف مانند بیمه، مالیات و غیره کسر می شود.

در این مؤسسه بعضی امتیازات مانند وام دادن و غیره هست که در موسسات مشابه وجود ندارد. از فروش سهام، سرمایه فروشگاه تعاونی تهیه شده که البته در این سرمایه گذاری مندر بران و روسای کل سهام بزرگ را خریدند و سود عمده فروشگاه نیز به جیب آنها می رود. کارگران با خریدن یک سهم دارای دفترچه تعاون می شوند و می توانند با آن از فروشگاه بطور قسطی خرید کنند و قیمت اجناس هم در حدود ۱۰٪ نسبت به ... ارزاتر است.

کارگران معمولاً شهرستانی و بعضی از دهات کوچک می باشند. و در اداره ها اغلب شغل پدر کشاورزی، دامپروری، ماهیگیری، پارچه بافی، پنبه پاک کسی، و غیره معرفی می گرد و بنا به عللی که شرایط کار پدیری برایشان دشوار شده و درآمد کافی خرج رانمی دانه به شهر آمده اند. بعضی می گویند بعد از آن که تمدن شهر به روستا کشیده شد دیگر خیر و برکت از مزارعت بر بسته، دیگر بسختی می شود آنجا زندگی کرد. چند تن که به کشاورزی اشتغال داشته اند می گویند پدر خیلی گران شده، آب نیز همینطور و چیزی کسه بدست می آید آنقدر گران تمام می شود و آنقدر استفاده نمیدهد که حتی جوابگوی عرق زحمتی که همانان کشیده هاند را بدهد. تازه آفات هم که خسارت به محصول وارد می آورد بجای خود.

کمکهای ترویج و آبادانی هم همه حرف است فقط نام کودکان شیمیایی و ضد آفات را بما می گویند ولی نه بما کود می دهند و نه کشاورز وقت و امکان تهیه کود را دارد این ها همه شن تبلیغ است. فقط پدر من در جریان اصلاحات ارضی مالک یک قطعه زمین شده، البته زمینم با پدر بین کشاورزان ترویج شده. ما که دسترسی به آب نداشتیم و وسیله هم نداریم که توسط آن از زمین بهره بگیریم. پدرم زمین را رها کرد و تراکتوری کرایه کرده و کارگر گرفته و با ارباب قبلی کار می کند. اینطور محصول بیشتر گیش می آید و زمین قبلی را هم رها کرده یکی دیگر می گوید: "ما زندگی ایلاتی داشتیم و دانشا کوچ میکردیم و دامپروری می کردیم اخیراً برای ما داشتن پروانه را اجباری کرده اند که برای استفاده از بیابانها و بریا کردن چادر باید پروانه داشته باشیم. درجا هائی که سابقاً منابع طبیعی مانند آب و علف بود حالا حق استفاده نداریم این است که به شهر آمده ام و به این کار روی آورده ام تا افلا دارای درآمد ناچیزی باشم که ثابت باشد."

بجز یکی دو مورد که با گرفتن وام دارای منزل هستند بقیه در خانه های اجاره ای زندگی می کنند (یک یارو و اطافه) تعداد افراد خانواده بین ۸ تا ۸ نفر و گاهی بیشتر است. یک نفر که مجرد است مطرح می کرد که در یک خانه ۱۸ اطافه زندگی می کند که در هر اطافه یک خانوار سکونت دارند و در این خانه در مجموع ۸۰ نفر زندگی می کنند. خود او ماهیانه ۹۰ تومان بعنوان

# بندگی در کار نیست

زندگی آخر سر آید، بنده کسی در کار نیست، بنده کسی که شرط باشد، زندگی در کار نیست. گرفتار دشمنان آبت کند، مسکین منو، مردمان، ای خسته دل، شرمندگی در کار نیست. بسا حقارت گرفتار بر سرست بناران در، آسمانرا گو، برور، بارندگی در کار نیست! گرفتار بسا وابستگی دارای این دنیا شوی، دروش افکن! اینچنین دارندگی در کار نیست. گرفتار بشرط پاییوسی سر بماند در تست، جان ده و رد کن، که سرافکنده کسی در کار نیست. زندگی آزادی انسان و استقلال اوست، بهر آزادی جدل کن! بندگی در کار نیست. ۳ بوالقاسم لاهوتی"

## «چپ روی»

### بیماری کودکی در کمونیسم

### لنین

بزودی منتشر میشود!  
علاقندان میتوانند آنرا از "ستاره سرخ" درخواست نمایند.

پیگیری در مبارزه و...

سومین درسی که می آموزیم اینست که رژیم شاه با تمام هیبتش غول یالگی بوده و از درون پوسیده است. پوسیدگی آن ناشی از ماهیت ارتجاعی، ناشی از تضاد هایش با خلق و تضاد های خود طبقات و اقتدار حاکم است. این امری است عینی و بهیچوجه نمی شود آنرا در مبارزه نادیده گرفت. این دیوار بلند از دور بر اهت و بی خدشه و استوار بنظر می رسد، اما چون بدان نزدیک شوی، با آن در تماس قرار گیری، ترکها و شکافهایش را می بینی. این را مبارزین با اراده، در عمل انقلابی یاد میگیرند و قادر میشوند بر اساس این واقعیات، از نقاط ضعف دشمن استفاده نموده و پیروزی بدست آورند.

چهارمین درسی که میگیریم، روحیه وحدت جویانسه مبارزین در بند است. آنها صرف نظر از وابستگی های سازمانی خود، در برابر دشمن مشترک متحداً مبارزه می کنند و عمیقاً بیکی، یکر احترام میگذارند. در حقیقت آنها در زندانها، عمارتیه روحیه گروهی گری قیام کرده و بخاطر همبستگی و اتحاد نیروهای انقلابی مبارزه میکنند.

اکنون زندانیهای قهقر، قزل قلعه و اوین به میدان مبارزه تبدیل شده است. رژیم سعی دارد انقلابیون را که از لحاظ ایدئولوژیک نتوانسته خلع سلاح کند، از لحاظ جسمانی نابود سازد. اما مبارزین با این توطئه رژیم هم به مبارزه برخاسته اند و هر روز بطور منظم ساعتها ورزش میدارند.

سرد های انقلابی تمام زندانها را فرا گرفته، مبارزین با روحیه ای آکنده از زندگی و با ایمان راسخ پیروزی نهائی خلق و آینده تابناک او، در باره مسائل انقلاب به بحث و مشورت با یکدیگر میروند. فعالیتهای خود را بررسی میکنند و با جمع بندی همه جانبه، تجارب گامی به جلو برمیدارند، تا با تدارک بهتر و پیشتری حمله دیگری آغاز نمایند.

هوشی مین رهبر کبیر پرولتاریا و خلق ویتنام در...

"یادداشت های زندان" خود مینوید:  
"زندانیانی که بیرون می آیند قادرند ملکت را آباد کنند و ناسامانی ها و مشکلات محکمش سنجش وفاداری افرادند قیام کنندگان علیه بی عدالتیها، دارای ارزش حقیقی اند هنگامیکه درهای زندان باز شد، عقابها پرواز میکنند." زندانیان مبارزات قهرمانانه زندانیان در بند، علیه رژیم جنایتکار شاه!

### نشانی

## توده و ستاره سرخ

Mme PAOLA DI CORI  
C. P. 493 S. SILVESTRO  
ROMA  
ITALY

# ستاره سرخ و خوانندگان

مجله ای که انتشار خود را آغاز کرده باید بخوبی و با جدیت تمام ادامه یابد. این مسئولیت هم بر عهده ای کارکنان مجله و هم بر عهده ای خوانندگان است. این نکته حائز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند، نامه و مقالات کوتاهی بنویسند حاکی از اینکه چه چیز آنها را خوشایند است و چه چیز مورد پسند آنها نیست. این یگانه تضمین موفقیت مجله است. (ماتئوسه وین)

محترماً هیات تحریریه نشریه ستاره سرخ

در شماره ۲۰ سال سوم این روزنامه مقاله ای تحت عنوان "نونه ها سازندگان تاریخند" منتشر گردید بود. من لازم دیدم بعنوان یکی از خوانندگان این مقاله نظر خود را نسبت به آن بگویم. شاید بدین طریق توانسته باشم لااقل کوچکترین رابطه و همکاری را با آن نشریه کرده باشم.

بعقدیه من نشر مقاله نامبرده بیشتر از این جهت خوب و آموزنده می باشد که بخوبی در آن نقش سازندگان تاریخ یعنی توده ها و نیز رابطه قهرمانان و نقش انقلابی و چگونگی وابستگی این قهرمانان با توده ها بطور عمیق مشخص می گردد. من شخصاً گرچه تاکنون به اهمیت و نقش سازندگی توده ها در جریان تاریخ مبارزات طبقاتی معتقد بوده ام ولی که گاه که در مطالعه این مبارزات با قهرمانانی که با نیروی عظیم فکری و مبارزاتی خود همانند اسپارتاگوسپا، مارکس ها... و بالاخره ماتئوسه در نقش والائی در تغییر این جریان تاریخی ایفا کرده اند، بر می خورم اغلب این مساله را که نقش عمده را در تغییر جریان مبارزات طبقاتی چه کسانی توده ها و یا قهرمانان دارا هستند فراموش میگردم. بطور مثال رهبر خلق چین ماتئوسه دون را انسانی برتر از توده ها چینی می پنداشتم حال اینکه این مقاله کاملاً این اشتباه را در من بر طرف ساخته و بخوبی معلوم می کرد که چگونه ماتئوسه دون ها و یا هر انقلابی دیگری هنگامیکه در جریان مبارزات توده ای و یا بشکل دیگر در مسیر حرکت و خواست توده ها قرار می گیرند به یک قهرمان بزرگ و انقلابی مبدل می گردند.

من لازم دیدم همانگونه که انتقاد را بدون کوچکترین گزشتی باید مطرح نمود نکات مثبت را نیز می بایست بخوبی مشخص نمود تا بتوان بر اساس آنها بعنوان دستاورد های مثبت، کارها را در آینده دنبال نمود. نشر این مقاله و توضیح مساله ای مطروحه در آن یکی از این نکات مثبت بود که گامی بزرگ در روشن ساختن اهمیت و نقش توده ها در ساختن و تغییر جریان تاریخی داشته است.

با بهترین درودها و آرزوی موفقیت بیشتر برای همه مبارزین که از مبارز توده ها حرکت می کنند.

دوست مبارزی مینوید:

"از مقاله "قهرمانان واقعی توده ها هستند" خیلی یاد گرفتم. در واقع مدتها بود که بعلت عدم درک مناسبات بین توده ها و قهرمانان، خوب نمی توانستم نقش قهرمانان را در مبارزات توده ها پیدا کنم. بخصوص که تبلیغات ایدئالیستی طبقات ارتجاعی در مورد مطلق کردن نقش قهرمانان در افکارم تضاد بوجود میآورد. با خواندن این مقاله بسیار عمیق به اهمیت توده ها بعنوان قهرمانان واقعی و سازندگان تاریخ بهتر پی بردم و توانستم اشتباهات خودم را در این زمینه پیدا کنم. پیشنهاد میکنم که ستاره سرخ مقالاتی از این قبیل که در عین ساده بودن بعضی از مسائل اساسی ایدئولوژیک را طرح کرد و روشن میسازد، برای خوانندگان خود ارائه دهد.

موفقیت ستاره سرخ " را در امر خدمت بخلق خواهانم.

در باره شکل "ستاره سرخ" رفیق مبارزی مینوید:  
"بدر داشتن آرم ضروری به محض ستاره سرخ" نخواهد زد از نظر حمل و نقل و فرستادن به نقاط مختلف کار را آسانتر میکند و چه بسا افراد از خواندن محتوی بیشتر جلب افکار پیشرو عصر حاضر شوند تا از ظواهر گمی هم ستاره سرخ " از صورت شعاری بیرون خواهد آمد."

# به خلق خدمت کنیم

# پیروز باد مبارزه خلقهای فیلیپین

در ماه سپتامبر ۱۹۷۲ طبقه حاکم فیلیپین و در رأس آن رئیس‌جمهور مارکوس حکومت نظامی نامحدود و یزیدرسرک کشور اعلام داشت. این اقدام مارکوس به منظور مقابله و سرکوب مبارزات توده ای است که در چند سال اخیر با شدت و وسعت بیش از پیش بر بیکره حکومت ارتجاعی او ضربات مهلکی وارد ساخته است. حال آنکه علیرغم همه این تشیقات رژیم ارتجاعی مارکوس، مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای فیلیپین وسعت و عمق بسیار یافته و بخصوص در سالهای اخیر با ایجاد ارتش خلق برهبری حزب کمونیست (م-ل) مبارزات توده ای هر روز گام محکمتری در جهت سرنگونی حکومت فاشیستی مارکوس و قطع کامل نفوذ امپریالیسم آمریکا و پیروزی نهایی خلق بر می‌دارد.

تاریخ چند صد ساله اخیر فیلیپین گواه مبارزات پیگیر ضد استعماری مردم این کشور است. تاریخ مقاومتها و از خود گذشتگی های خلقی است که قرن‌ها با سلطه غارتگران خارجی به مبارزه بی امان برخاسته است. بیش از ۴۰۰ سال پیش (۱۵۲۱ میلادی) با ورود کشتی های تجارتی اسپانیا به بندر "مانیلا" سلطه ی استعماری اسپانیا بر فیلیپین آغاز شد. اسپانیایی ها علاوه بر غارت منابع طبیعی، مردم این سرزمین را تحت استثمار قرار داده، آنان را در ساختمان کشتی ها و دیگر احتیاجات خود به بیکاری کشیدند. با تکیه بر سیستم فئودالی حاکم، اقتصاد این کشور را به اقتصاد وابسته بدل کردند و در زمینه فرهنگی با تبلیغ و ترویج مذاهب کاتولیک توده های مردم را تحت نفوذ سیاسی کلیسای ظالم و غارتگری در آوردند که خود از بزرگترین مالکین فئودال بود و در سیاستهای فیلیپین تا به امروز نقش مهمی داشته و دارد. استعمار اسپانیا بیش از ۳۰۰ سال در این کشور سایه افکند.

طی این دوران خلقهای مبارز فیلیپین با برپا کردن ۲۰۰ شورش و قیام نفرت عمیق خویش را نسبت به دیکتاتوری و اراده پولادینش در برابر اختن آنها آشکار ساخت. بالاخره اواخر قرن نوزدهم در اثر قیامهای روز افزون مردم فیلیپین و تضعیف اسپانیا (در اثر جنگهای مختلف) و بالاخره انقلاب مکرراتیک فیلیپین در سال ۱۸۹۶ اسپانیا سبائیا از این کشور بیرون رانده شدند. در ایمن انقلاب که انقلاب بورژوا مکرراتیک کهن بود و به رهبری بورژوازی صورت گرفت پرولتاریای فیلیپین که از اواخر قرن هجدهم در کارخانه های کشتی سازی و صنعت شکر بوجود آمده بود نقش مهمی داشت. از میان مبارزات شجاعانه این طبقه قهرمانانی چون "بونی فاسیو" بر سر خاستند که رهبری انقلاب را نیز برای مدتی بدست گرفتند، لیکن بخاطر کم تجربگی و ضعف کمی این طبقه رهبری بدست طبقه بورژوازی و شخص "اگینال" افتاد که عاقبت به انقلاب خیانت کرده و بعد از شکست آن به هنگ گنگ فرار نمود.

در هنگ گنگ از طرف دولت آمریکا با او تماس گرفته شد و با پشتیبانی آمریکا در ژوئن ۱۸۹۸ به فیلیپین بازگشت و "آزادی فیلیپین" را در پناه مملکت پیرو قدرت و انسان دوست آمریکا" اعلام نمود!

در همان سال جنگ بین آمریکا و اسپانیا شروع شد که به تسلط آمریکا بر خاور دور، بخشی از آمریکای لاتین (کوبا، پورتوریکو و غیره) انجامید و در سال ۱۸۹۸ طبق قرارداد ای که در پاریس به امضاء رسید، اسپانیا فیلیپین را به مبلغ ۲۰ میلیون دلار به آمریکا فروخت! ولی خلقهای فیلیپین تن به این قرارداد ندادند و بر علیه آمریکا وارد جنگ شدند. در این جنگ، که حتی وقوع آن نیز در صفحات تاریخ نگاران بورژوازی ثبت نشده، آمریکا با ۱۲۶۶۶۸۸ سرباز به مدت سه سال خلقهای فیلیپین را مورد حمله وحشیانه قرار داد و بیش از ۲۰۰۰۰۰ فیلیپینی را قتل عام کرد. بدین ترتیب در سال ۱۹۰۲ سلطه استعماری آمریکا بر این کشور آغاز گردید که پس از جنگ جهانی دوم تحت سیاست نو استعماری، تشدید و گسترش یافت. تسلط غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و استثمار و ستم حکومت دست نشانده بومی آن - یعنی تشدید تضادهای داخلی از یکسو و رشد جنبشهای آزاد ییخشی و پرولتاری در سطح جهانی از سوی دیگر پرولتاریای فیلیپین را در جهت توسعه و تشکی هرچه بیشتر سوق داد تا آنکه بالاخره

# مبارزات خلق ویتنام شکست ناپذیر است

مبارزان و مین که اری خاک جمهوری ویتنام از روز هجده دسامبر، از طرف نیروهای هوایی و دریایی امپریالیسم آمریکا با شدت بیسابقه‌ای از سر گرفته شده است. دولت نیکسون میکوشد شکست کفرانصالح پاریس را بهانه تشدید بمباران و مین گذاری جلوه دهد و بی شرمانه ادعا کرده که این تجاوز وحشیانه آشکار بخاک جمهوری دموکراتیک ویتنام "تاهنگامیکه دولت هانوی مجبور بقبول قرارداد صلح (دیگه شده از طرف امپریالیسم آمریکا) گردد" ادامه خواهد داشت.

مذاکرات صلح پاریس بر اساس قرارداد ۹ ماده‌ای صورت میگرفت که در تاریخ ۲۰ اکتبر مورد توافق دو جانب قرار گرفته و در مذاکرات مخفی بین نمایندگان آمریکایی و ویتنام تنظیم گردیده بود. این قرارداد که بر اساس خواستها و منافع اساسی مردم ویتنام (حق تعیین سرنوشت خویش - وحدت شمال و جنوب) و واقعیات موجود (وجود ۲ دولت، ۲ ارتش و ۳ نیروی سیاسی در جنوب ویتنام) صورت گرفته بود، شامل اجرای مقررات آتش‌بس، تخلیه نیروهای امپریالیسم آمریکا و افسارش و تشکیل شورائی مرکب از نمایندگان مکه نیروی سیاسی جنوب ویتنام، به منظور ایجاد شرایط و مقدمات انتخابات سرتاسری در جنوب و ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک ویتنام جنوبی بود.

دولت نیکسون با وجود توافق ظاهری بر روی مصاد این قرارداد، با حیلگری و بهانه های گوناگون از امضای آن قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سر باز زد و از آن به عنوان وسیله‌ای برای فریب مردم آمریکا و انتخاب مجدد خویش بر ریاست جمهوری سوء استفاده نمود.

پس از انتخابات، دولت نیکسون بشیرمانه در ۱۲۶ مورد که جعلی برخلاف خواسته ها و منافع خلق ویتنام هستند، خواستار تغییر مواد موافقتنامه ۲۰ اکتبر گردید و به این ترتیب امکان برقراری آتش‌بس و صلح در ویتنام را از بین برد و کفرانصالح پاریس را به بن بست کشید.

پایه گذاری می‌گردد. این حزب امروز از اصل استراتژیک صد رمانو مینی بر محاصره شهرها از طریق دهات پیروی می‌کند (۱).

رفیق آمارد و گرو در نوشته اخیر خود بنام "جامعه فیلیپین و انقلاب" (۱۹۷۱) چگونگی پایه‌گذاری نوین حزب کمونیست فیلیپین را بقرار زیر توضیح میدهد:

"مهمترین واقعه‌ای که تاکنون در انقلاب فیلیپین صورت گرفته است، پایه گذاری نوین حزب کمونیست فیلیپین بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون می‌باشد. حزب پس از چندین سال انتقاد و انتقاد از خود که توسط انقلابیون پرولتاری و جوان انجام گرفت، در ۲۶ دسامبر ۱۹۶۸ مجدداً تأسیس یافت.

حزب کمونیست فیلیپین با از سر گرفتن انقلاب مکرراتیک خلق در سطحی نوین و بالاتر برنامه تئوریک اندیشه مائوتسه تسه دون یعنی قله مارکسیسم - لنینیسم در عصر حاضر عصری که امپریالیسم بنابودی کامل و سوسیالیسم در سطح جهانی به پیروزی می‌رود، مجدداً تشکیل شد.

خطر روزیونیستی و ضد انقلابی لاوا و تاروک که بیش از سه دهه در درون حزب قدیمی متشکل از حزب کوم - نیست و سوسیالیست دوام آورده بود، کاملاً انتقاد و طرد شد. حزب سنده نو سازی، اصلاح اشتباهات و تجدید ساختمان حزب را صادر کرد و برنامه انقلاب مکرراتیک خلق و اساسنامه جدید حزب را در رکنه بنیان گذاری مجدد" انتشار داد.

تحت رهبری حزب کمونیست فیلیپین نیروهای چریکی توده‌ای در ۲۹ مارس ۱۹۶۹ به ارتش توده‌های نوین تبدیل گردید. در جلسهای که از فرماندهان و رزمندگان سرخ تشکیل شد، در اوردسته تاروک - سوهونگ، بعنوان باقی ماندگان ضد انقلابی در اوردسته بورژوازی سیاه لاوا و تاروک انتقاد و طرد شدند. فرماندهان و رزمندگان سرخ سندی در زمینه نو سازی ارتش تحت عنوان "ارتش توده‌های نوین" و "مقررات ارتش توده‌های نوین" منتشر ساختند.

از زمان پایه‌گذاری نوین حزب و تشکیل ارتش توده‌های نوین، در اوردسته بورژوازی سیاه لاوا درمانیل و در اوردسته تاروک - سوهونگ بتجانب خیانت، بسازهم بیشتر فرو رفتند. . . . در اوردسته بورژوازی سیاه لاوا با تشدید خط مشی ضد انقلابی مبارزه پارلمانی که در حقیقت در خدمت امپریالیسم آمریکا و طبقات استثمارگر بومی است، که گستاخانه در خدمت سیاستهای فاشیستی رژیم دست

کسانید. از جمله تغییراتی که امپریالیسم آمریکا می خواهد بهانه نظارت بر مقررات آتش‌بس و در واقع به منظور ادامه سلطه خود و دخالت در مسائل ویتنام بوجود آورد نکند اری نیروی زیادی با لباس شخصی و با اختیارات نامحدود در ویتنام و همچنین گسیل یک نیروی مسلح چند هزار نفری به بهانه "نظارت بر مقررات آتش بس" به ویتنام است. بدین ترتیب دولت نیکسون بیکار دیگر خواست فوری خلقهای ویتنام، آمریکا و کلیه مردم صلح دوست جهان را زیر پا نهاده و بیکار دیگه نیز ماهیت امپریالیستی، جنگ افروز و ضد بشری خود را نشان داده است.

مبارزان مجدداً خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام که با شدت و وحشیگری بی سابقه‌ای صورت میگردد، نشان - دهنده روشن ماهیت و منطق امپریالیسم است. بمباران - ستانها، مدارس، خانه های مسکونی، مزارع، کارخانجات و بنادر ویژه در شهرهای هانوی و هایفونگ هدف این معج تروریستی هستند.

ماشین جنگی آمریکا نیروی هوایی و دریایی عظیمی را برای سرکوب و نابودی انقلاب خلق ویتنام و بمنظور ترمز کردن رشد تاریخ بسیج کرده است.

قطع مذاکرات صلح و تجدید بمباران خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام، معج عظیم و بیسابقه‌ای از خشونت‌فروشی در سراسر جهان بوجود آورده است. در آمریکا و اکثر کشورهای جهان اعتراضات و تظاهرات علیه سیاست جنگ طلبانه نیکسون بجا خواسته است.

امپریالیسم آمریکا با این عمل وحشیانه خود توجه افکار عمومی جهان را بشدت علیه خود برانگیخته و دلته‌های مترقی، سازمانها، گروهها و اکثریت قاطع مردم جهان را بر آن داشته که این اعمال او را محکوم ساخته و خواهان قوری پایان بخشیدن بمباران وحشیانه خاک جمهوری ویتنام، برگزاری مجدد کفرانصالح، خروج نیروهای بیگانه از خاک ویتنام و امضاء قرارداد صلح بین آمریکا و ویتنام بر اساس قرارداد ۲۰ اکتبر گردند.

اکنون دولت نیکسون خود را بیشتر از هر زمان دیگر مواجه با خشم و اعتراض مردم جهان می بیند، مردمی که پشتیبان مبارزه عادلانه خلق ویتنام و خواهان صلحی پایدار و بنفع توده های خلق ویتنام هستند.

دولت نیکسون تصور میکند که با بمبارانش قادر است خلق ویتنام را بزانو در آورد و به صلح "دیگه شده از طرف خود وادار نماید. ولی حماسه قهرمانانه انقلاب ویتنام ثابت نموده است که، خلق یک کشور کوچک در صورتیکه جرات یابد مبارزه برخیزد و تجارت برز اسلحه بردارد و سرنوشت کشور خود را بدست گیرد، آنوقت یقیناً خواهد توانست بر تجاوز کشوری بزرگ غلبه نماید. این یک قانون مندی تاریخ است."

این اولین بار نیست که مردم ویتنام با چنین حمله‌ای روبرو شده‌اند، آنها طی مبارزه‌های چندین دهه ساله خود دیگر باین واقعت بی برد هاند کراه آزادی و استقلال، همان مبارزه قاطعانه علیه تجاوز و زورگویی است. خلق ویتنام مطمئناً این بار نیز این نوطه‌ی مذبحانه دولت نیکسون را نقش بر آب خواهد ساخت. بنا بگفته رهبر کبیر خلق ویتنام هوشی مینه "دشمن میتواند هانوی، هایفونگ و سایر شهرهای ما را با خاک یکسان کند، ولی مبارزه خلق ما برای یک لحظه هم متوقف نخواهد شد و تا پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت."

ما اطمینان داریم که خلق قهرمان ویتنام تحت رهبری حزب زحمتکشان در شمال و جنبه آزادی بخش و دولت موقت انقلابی در جنوب، در این نبرد نیز پیروز خواهند شد.

اکنون توده های عظیمی از مردم کشورهای مختلف از طریق افشاء نوطه های نیکسون و کوشش برای اوار ساختن آمریکا به امضاء قرارداد ۹ ماده‌ای ۲۰ اکتبر به انقلاب ویتنام یاری میرسانند. خلقهای ایران نیز قاطعانه خواستار استقلال، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت برای خلق برادر ویتنام هستند و از پیشنهاد ۹ ماده‌ای ۲۰ اکتبر پشتیبانی کرده، اعمال وحشیانه امپریالیسم آمریکا را شدیداً محکوم میسازند.

زنده باد مبارزات قهرمانانه خلق ویتنام  
زنده باد همبستگی خلقهای سراسر جهان  
نابود باد امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیرش

## عزم را سخ داشته باش؛ از قربانی نه اس؛ بر هر مشکلی غلبه کن؛ تاپیروز شوی